

بچه ها



رمز نویسنده کی در دنیای کودکی

محمد میرکیانی، نویسنده کودک و نوجوان اعتقاد دارد باید از مفاهیم اخلاقی و پیام های انسانی موجود در ادبیات فارسی به خصوص شعر، استفاده بیشتری کنیم

صفحه ۸ <

روایت عدالت
رسالت مستند

معاون سیمما، «عدالت» را دادن فرصت بیشتر به مستندسازان و مردم برای پرداختن به مستند می داند

< ۶

نوآوری در خلق
کمدی خانوادگی

رضا مقصودی در گفت وگو با «جام جم» نقش فیلم های کمدی در تشویق مردم به حضور در سینما را بررسی کرده است

< ۱۰

پریزاد؛ نگاهی متفاوت
به سقط جنین

کارگردان مجموعه روی آنتن شبکه تهران از مسیر تهیه و تولید فصل جدید می گوید

< ۷



یادداشت

حمید هنرجو | نویسنده و پژوهشگر فرهنگی

گفتمان آفرینی در حوزه فرهنگ؛ چرا و چگونه؟!



یکی از وجوه تفاوت فرهنگ با دیگر حوزه ها «خلاقیت محور» بودن آن است. این حوزه به قدری با تنوع، فراوانی و نوبه نویی فکرها، طرح ها، ایده های جذاب و بعضا ناب مواجه است که اگر سیاست گذار یا مدیر فرهنگی غفلت کند یا مسیری را حساب نشده جلو ببرد، حتما به مشکل بر می خورد... به همین جهت است که فرهنگی بودن خود مدیر و سکاتدر در حوزه مربوطه، همواره مورد تاکید و مطالبه بوده و هست.

اقدامات، حرکت ها، طرح ها و رویکردها در فرهنگ با تمام ضمانت مش، به هر میزان که برآمده از تفکر مکتوب و اندوخته های مستند نظریه پردازان فرهنگ و هنر باشند، عیار اصالت آنها نیز بالاتر است و در نتیجه تأثیرات ژرف تری هم بر جامعه هدف تعریف شده باقی خواهند گذاشت. آیا تا امروز از خودمان پرسیده ایم که اصولا چرا باید فرهنگ ما گفتمان ساز باشد؟ آیا باید نیاز و نگاه نسل های جدید را بشناسد و برای همه آنها، حرف و محتوا تولید کند؟ اما چطور می توان این کار را انجام داد؟

اولین گزاره، می تواند در موضوع حمایت مستقیم دولت از مطالعه و تحقیق و ترویج کتاب و کتابخوانی، اهمیت و جلوه پیدا کند، چراکه در سایه این حمایت، دستیابی به عواید و فواید حاصله، هیچ گاه دور از انتظار نیست.

دیده شدن اهالی کتاب، اندیشه و قلم در صحنه ها و عرصه های عمومی، اتفاق خوبی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی رخ داد. اتفاقی که نویسنده و پژوهشگر و فعال نشر و قلم را از پرده نشینی سیاسی- اجتماعی خارج کرد و مواجهه مستقیم با قاطبه مردم را در او نهادینه ساخت و از اینجا به بعد، به خود این جماعت نسبتا کثیرالعدد سپرده شد. این که تا چه حد توفیق به دست آورده یا دچار ضعف و ناکامی شدند، موضوعی است که باید از زبان خودشان شنید.

تأثیرگذاری قلمرو فرهنگ، در طول تاریخ بر ملت ها و سرزمین ها امری مشهود بوده اما همواره نوسان داشته

است. در هر مقطع و دورانی که حکمرانی فرهنگی ارج و

قربى داشته، ما شاهد برآمدگی و بالندگی فرهنگ و اندیشه

بوده ایم، زیرا حکمرانی هوشمندانه در حوزه فرهنگ، حتما

گفتمان تازه خلق می کند و هر گفتمان و حرکت نوآورانه

مبتنی بر پیشینه تاریخی و فرهنگی، بی تردید جمعیتی را با

خود همراه و هم رای خواهد کرد.

اندیشه و قلم، وقتی سازنده باشند، می توانند جوامع

بشری را شکل دهند و موجب تعالی و تحقق اهداف بلند در دهک های مختلف جامعه شوند. این مهم، از کوچه کتاب و مطالعه می گذرد، قبل از آن اما باید نیاز و عطش افراد را به کتاب و کتابخوانی برانگیخت؛ مساله ای که به شدت در آن ضعف و حتی اهمال داریم و بدون تعارف، دستگاه های متصدی فرهنگ و رسانه ها، یا اهمیت و حساسیت موضوع را درک نکرده اند، یا اولویت های کاری دیگری برای خود متصور هستند؛ ممکن است آن اولویت ها - حتی - با مقوله کتاب هم مرتبط باشد اما چون از «سرچشمه» و «زن نگاه حیاتی فرهنگ» غفلت شده، در مراحل بعدی هم موفقیتی به دست نمی آید؛ نتیجه اش انتشار کتاب با شمارگانی محدود است، مثلا ۵۰۰ جلد آن هم برای کشوری که بالای ۸۰ میلیون نفر جمعیت دارد!

گریز از کتاب و دوری از مطالعه در ایران، عامدانه نیست، بلکه عواملی در این مسیر وجود دارد که کتاب را به اشتباه، در زندگی مردم به «کالایی زینتی» بدل کرده یا حداقل در جایگاه «اولویت چندم» و نه مهم ترین اولویت نشانده است. اجتناب از خواندن و بی اعتنایی به محتواگرایی و معرفت افزایی با کتاب، سطح فرهنگ را تنزل می دهد و ده ها اتفاق بد دیگر... که هرگز زیننده جامعه ما نیست. انگار اصلا حواس مان نیست که «کتابخوانی» مساوی است با بحران و نهایتا شکست اقتصاد نشرا! و متعاقب آن، یاس و دلسردی صاحبان صنوفی که معیشت و رنگ و روی سفره شان، ارتباط و اتصال به رونق کتاب دارد. «کتابخوانی» در همین ۱۲-۱۰ سال اخیر، نویسندگان و مترجمان و پژوهشگرانی را به حاشیه بی تفاوتی و کم انگیزی کشانده است.

ما کارگران و کارمندی را داریم که شمار قابل توجهی از جمعیت کشور ما را تشکیل می دهند اما در فیش حقوق ماهانه آنها هیچ خبری از یارانه کتاب و مطالعه نیست. باید کاری کرد تا نیاز به «خواندن و دانستن» در اقشار و طبقات مختلف جامعه به ویژه جوانان و نوجوانان نهادینه شود.

«راهِکار» علمی و عملی برای ایجاد نیاز و عطش به کتاب به خصوص در جوانان و نوباوگان کشور کم نیست. در باب آنها می شود بسیار گفت و نوشت اما شوربخانه، همت قابل قبولی در این زمینه دیده نمی شود... عمل گرایی در فرهنگ اگر نباشد، گفتمان آفرینی هم به رویایی دور از دسترس تبدیل خواهد شد.

پایید همه باهم کاری کنیم! هنوز هم دیر نشده است...

سعیده ملایی
روزنامه نگار

همزمان با افزایش موج جهانی سازی، هویت ملل در معرض تهدید و آسیب قرار گرفته است. با این حال در قلب یمن، نمادهایی از تمدن باستان و نشانه های آن، همچنان مورد توجه است. المُسند، خط منحصر به فردی است که حروف خود را روی صفحات تاریخ یمن حک کرده و در برابر فراموشی مقاومت می کند.

خط المسند میراث تمدنی مهمی است که از بیش از ۲۰۰۰ سال پیش در جنوب جزیره العرب شکل گرفت و ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ ها و تمدن های کهن مانند مملکت سبأ، پادشاهی معین و

حضرموت دارد. آثاری از این خط روی معابد، سنگ نگاره ها و کتاب های قدیمی یمن به چشم می خورد. این خط از راست به چپ نوشته می شود. ۲۹ حرف دارد، زبان متداول عصر باستان در یمن بوده و امروزه روی هر آثار باستانی این کشور، نشانه ای از خط المسند را می توان یافت.

خط المسند مهم ترین اثری است که از دنیای باستان به جای مانده و با استفاده از آن می توان اطلاعات مهمی را از دنیای باستان کشف کرد. این خط با اشکال هندسی منحصر به فردش، اقوام و قبایل مختلف یمنی را با وجود تفاوت های سیاسی، جغرافیایی و زبانی متحد می کرد. مردمان یمن خواه از ممالک سبأ، معین، قتبانی، حضرمی یا اوسانی، با این زبان به وحدت می رسیدند. اهمیت خط المسند در این است که هنوز یکی از مهم ترین خطوط سامی به حساب می آید و زبان های صفویه یمنی، ثمودی و لحياني که در شمال جزیره العرب انتشار یافتند و زبان عرب های باندۀ و همچنین زبان حبشي (جعز) که تا امروز نیز کاربرد دارد از خط المسند گرفته شده است. خط المسند با زوایای تیز و اشکال

خط مسند، نماد فرهنگ و تمدن یمن

هندسی پیچیده اش تا مدت ها زبانی اسرارآمیز و مرموز به شمار می رفت اما به تازگی با اهتمام مسئولان فرهنگی یمن، این خط از نمادی مرموز، به نماد ملی فرهنگی تبدیل شده و چند سالی است که یمنی ها روز ملی زبان المسند را گرامی می دارند. هر سال همزمان با روز جهانی زبان مادری، یمنی ها به تعامل درباره خط المسند و احیای آن به عنوان ابزاری برای حفظ میراث باستانی این کشور مبادرت می ورزند.

گفته می شود خط المسند از خط فنیقی سرچشمه گرفته و پس از مدتی نیز به الفبای عربی تبدیل شده است. خط المسند مراحل مختلفی را طی کرده و در طول زمان، شکل برخی از حروف و قواعد نگارش آنها تغییر و توسعه یافته است. خط المسند میراث فرهنگی مهم و نماد هویت ملی یمن است و خط الفبای باستانی است که برای نوشتن زبان های عربی جنوبی استفاده می شده و قدمت آن به قرن هشتم قبل از میلاد بازمی گردد و یکی از قدیمی ترین خط های الفبای جهان است. این خط نماد مهمی از هویت ملی یمن به شمار می رود. در صخره نقش عبدان بزرگ و معبد آوام یا تخت بلقیس یمن، نقوشی به خط المسند وجود دارد.

